

خاطره و ناگفته‌هایتان، خدمتتان خواهیم بود. انتظار داریم شما هم ما را مشمول محبت قرار دهید و داشته‌هایتان از عکس و تألیف و... را برایمان ارسال کنید. تلاش ما معطوف به انعکاس این مطالب است و ان‌شاء‌الله نگاه مه‌رانگیز شما نیز همچون گذشته حامیمان باشد و با انتقاده‌ها و پیشنهادهای خود، ما را در انجام این مهم یاری کنید.

همه افراد در سال جاری تاکنون نسبت به مدت مشابه پارسال بیش از دو برابر بوده‌است و شهرودان مشهدی در سال جاری پنج روز هوا با کیفیت ناسالم برای همه افراد را تجربه کرده‌اند که این رقم در مدت مشابه پارسال دو روز بود.

همه افراد در سال جاری تاکنون نسبت به مدت مشابه پارسال بیش از دو برابر بوده‌است و شهرودان مشهدی در سال جاری پنج روز هوا با کیفیت ناسالم برای همه افراد را تجربه کرده‌اند که این رقم در مدت مشابه پارسال دو روز بود.



**شهید یوسف کلاهدوز**  
**ولادت:** ۱۳۲۵/۱۰/۱۰  
**متولد:** قوچان  
**شهادت:** ۱۳۶۰/۷/۷  
**محل شهادت:** کهریزک تهران  
**علت شهادت:** سقوط هواپیما  
**مزار:** تهران

**سرور یزدی**! «شهید یوسف کلاهدوز» فرزند حسن اول دی‌ماه ۱۳۲۵ در شهر قوچان در خانواده‌ای متدین و باتقوا دیده به جهان گشود؛ با تربیت علوی رشد یافت و پیرو مولایش علی(ع) و سیدالشهدا(ع) بود. پس از دریافت دیپلم، برخلاف انتظار نزدیکانش، از طریق شرکت در کنکور دانشگاه افسری به استخدام ارتش درآمد. پس از پایان دوره دانشجویی افسری، برای طی دوره مقدماتی رزهی، به مرکز رزهی شیراز منتقل شد. شهید کلاهدوز پس از انقلاب اسلامی، از دانشگاه افسری به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور و به عنوان قائم‌مقام سپاه پاسداران مشغول به خدمت شد.

از جمله اقدامات او پس از انقلاب، شرکت در تشکیل کمیته نظامی در مدرسه علوی (قائمگاه حضرت امام خمینی(ره))، تشکیل سپاه پاسداران به فرمان حضرت امام(ره) و راه‌اندازی واحدهای آموزشی سپاه پاسداران و نیز توسعه آن‌ها را می‌توان نام برد، همچنین در شورای عالی دفاع نیز نقش مؤثری را برعهده داشت.

وی پس از عملیات غرورآفرین ثامن‌الامنه(ع) (که منجر به شکست حصر آبادان شد) هنگام برگشت به تهران، در ساعت ۱۹:۱۵ مورخ ۷/۷/۱۳۶۰ بر اثر نقص فنی و سقوط هواپیمای سسی ۱۳۰ نیروی هوایی در روستای دوتوبه کهریزک، با جمعی از فرماندهان به درجه رفیع شهادت نائل آمد. او ششم مهرماه ۱۳۶۰ (یک‌روز پیش از شهادت) به درجه سرهنگ دومی مفتخر شده بود، روحش شاد.

## بوم عاشقی هنر، ابزار ثبت و انتقال دفاع مقدس است

**ساغر ایاقچی**! انتقال حس خوب با هنر یعنی ماندگار کردن همین احساس ناب. اینکه برای کارهای هنری شهدا پذیرفته شوی هم یک جور طلبیده شدن است و «امین هنر‌تیار» از همین دست هنرمندانی است که به گفته خودش طلبیده شده‌است.

او معتقد است هنر می‌تواند در زنده نگه داشتن رشادت‌های دوران دفاع مقدس مؤثر باشد و می‌گوید: مشغول کشیدن چهره یک شهید روی دیوار بودم که پدر شهیدی آمد و گفت: می‌خواهم دستی که قلم داری را ببوسم. وقتی گفتم نه، گفت: تو کار حضرت زینب(س) را انجام می‌دهی و شعر «کرلا در کرلا می‌ماند اگر زینب نبود/ سر نی در نینوامی‌ماند اگر زینب نبوه» را برایم خواند. به باور من کار یک هنرمند در عرضه دفاع مقدس در واقع حفظ آثار جنگ و ماندگار کردن روایت‌های مقاومت برای انتقال به نسل‌های بعدی است.

این هنرمند جوان شهرمان می‌افزاید: یکی از کارهای با ارزشی که انجام داده‌ام، نگارگری ضامن آهو است که مورد توجه استاد فرشچیان قرار گرفت و از آمریکا برای بازدید این اثر حضور پیدا کرد. او با اشاره به اینکه پس از این دیوارنگاره یک آرزو داشته: اینکه به سوریه برود و برای حضرت زینب(س) و بچه‌های جنگ زده نقاشی بکشد، اظهار می‌کند: در حرم امام رضا(ع) این آرزو را خواستم و چند ماه بعد، از دفتر نمایندگی رهبری در سوریه با من تماس گرفتند و دعوت شدم. در سوریه چهره شهدای مدافع حرم از کشورهای مختلف را کشیدم. ۶۹ چهره شهدای مدافع حرم را روی دیوارها کشیدم. قرار بود نقاشی «عصر عاشورا»ی استاد فرشچیان را بکشم. روبه‌روی در حرم، همان یک دیوار را خالی داشتیم؛ خبر شهادت سردار سلیمانی را که دادند، با غم و اندوه فراوان صبح آن روز چهره ایشان را کشیدم.

در فرصتی مغتنم، درس فداکاری را از بزرگان به تازه‌واردان میدان‌تقابل منتقل کنیم. بی‌تردید میزبان در صفحه عشقستان، یادگاران هشت سال دفاع مقدس و میدان‌داران مدافع حرم هستند. ما نیز در رکابیم تا آنچه از قلم بر لوح می‌چکد، جز واقعیت کلام ناب عزیزان نباشد. مشتاقانه برای ثبت خامه‌های ناب

نیز هوا با شاخص ناسالم برای گروه‌های حساس را تنفس کردند در حالی که تعداد روزهای ناسالم برای گروه‌های حساس در مدت مشابه پارسال ۲۸ روز بود. مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی شهرداری مشهد افزود: تعداد روزهای ناسالم برای

حلیچه شیمیایی شده بودم، فرزندم با بیماری ناشناخته‌ای به دنیا آمد که درمانی نداشت و در سال ۸۷ در سن ۱۹ سالگی فوت شد. همسرم در همه این سال‌ها رنج بسیاری متحمل شد و با صبوری آن دوران را گذراند. متأسفانه سال گذشته این نعمت الهی یعنی همسرم را نیز از دست دادم و به رحمت خدا رفت.

■ **شکوفه‌های بهار انقلاب**  
حالا از او می‌پرسم برای انتقال این همه ایثار و از خودگذشتگی به نسل جوان چه می‌توان کرد؟ او می‌گوید: اصلاً این‌گونه نیست که جوانان تغییر کنند. مسئله ذاتی است که خداوند درون بشر گذاشته است. ما هم خاص نبودیم؛ همان طبیعت و ذاتی بود که خداوند درون همه انسان‌ها گذاشته است و همان زمان شکوفا شد و از دین و ملت و ناموسمان دفاع کردیم که اگر دگر باره هم اتفاق بیفتد، جوان‌های نسل جدید بسیار زیباتر از ما وارد میدان خواهند شد. جوان‌هایی که به عنوان مدافعان حرم رفتند به‌طور قطع سنشان به دوران دفاع مقدس نمی‌رسید اما در سال‌های اخیر امثال شهید حججی حضور پیدا کردند و در آینده هم همین جوان‌های با غیرت، اگر نیاز باشد با صلابت و دلآوری تمام حماسه می‌آفرینند و ملت را سربلند می‌کنند.

این جانباز سرافراز شهرمان می‌افزاید: هیچ‌گاه تصور نکردم ما بهتر از جوان‌های امروز بودیم؛ شاید گل‌های زیبا در یک باغ خیلی زیاد نباشد، همان زمان هم از میان ۴۰ میلیون نفر ۳ درصد برای دفاع رفتند و در آینده هم همین خواهد بود. یاران امام حسین(ع) در مقابل ۳۰هزار لشکر دشمن بسیار اندک بودند اما بودند. جانباز جمشیدی با اشاره به اینکه اپناگرگی کار بسیار دشواری است، تصریح می‌کند: اپناگرگی فقط از جان گذشتن نیست بلکه از تمام خواسته‌ها عبور کردن است.

بسیاری از شهدای ما از شغل، تحصیل، موقعیت خانوادگی، پدر و مادر و زن و فرزندانشان گذشتند. لازم به یادآوری است فرماندهان ما کمترین مرخصی را رفتند و بیشترین مدت آن روزها و ماه‌ها و سال‌ها را در جبهه‌ها گذراندند. کار دشواری بود؛ با خدا معامله کردند و مزدشان را در دو دنیا خواهند داشت. بزرگانی مانند سردار سلیمانی که ۴۰سال برای امنیت مردم از همه چیز گذشت، خداوند مزدش را در این دنیا داد و ۲۵میلیون نفر برای بدرقه‌اش حضور پیدا کردند؛ به این بیندیشیم خداوند در آن دنیا برایش چکار خواهد کرد.

■ **ندانسته نیروی دشمن نباشیم**  
این دلاورمرد در پایان گفت‌وگو می‌گوید: شهدا عزت دنیا و آخرت را دارند. اگر جوان‌های امروز همین رویه را ادامه دهند، اسلام روز به روز سربلندتر خواهد شد. اسلام دشمنان فراوانی دارد و باید جوان‌های امروز یک معیار برای خودشان داشته باشند که اگر حرفی را دشمن می‌زند، حرف دشمن است؛ دیگر آن را دنبال نکنیم و اگر حرف خودی‌هاست، انتشارش دهیم و حمایتش کنیم. اگر حرف روز ما حرفی است که دشمن بر طبل آن می‌کوبد، بدانیم برنامه دشمن است و ما ندانسته نیروی دشمن نباشیم.

حماسه است که سال‌ها زینت‌بخش مقاومت‌نگاره‌های ما بوده و اینک پس از مدتی توقف، دوباره مجال انتشار یافته است. خوشحالم که دوباره قلم بر مدار حماسه‌آفرینی می‌چرخد و به تحسین از مردان و زنان آزاده ایران‌زمین می‌نشیند. بنا داریم در گام جدید باز هم مفتخر به واگویه خاطرات شورآفرین پیشکسوتان جهاد و شهادت باشیم و

که نسبت به مدت مشابه پارسال چهار برابر شده است. رضا اسماعیلی افزود: همچنین از ابتدای سال تاکنون ۱۳۰ روز کیفیت‌هوا روی شاخص قابل قبول قرار گرفت که این رقم در مدت مشابه پارسال ۱۵۶ روز بود. وی اضافه کرد: شهرودان مشهدی ۳۱ روز

که نسبت به مدت مشابه پارسال چهار برابر شده است. رضا اسماعیلی افزود: همچنین از ابتدای سال تاکنون ۱۳۰ روز کیفیت‌هوا روی شاخص قابل قبول قرار گرفت که این رقم در مدت مشابه پارسال ۱۵۶ روز بود. وی اضافه کرد: شهرودان مشهدی ۳۱ روز

«**محسن جمشیدی کاخکی**» از اعضای نخستین گروه اعزامی به جبهه

# ما خاص نبودیم



**هیچ‌گاه تصور نکردم ما بهتر از جوان‌های امروز بودیم؛ شاید گل‌های زیبا در یک باغ خیلی زیاد نباشد، همان زمان هم از میان ۴۰ میلیون نفر ۳ درصد برای دفاع رفتند و در آینده هم همین خواهد بود. یاران امام حسین(ع) در مقابل ۳۰هزار لشکر دشمن بسیار اندک بودند اما بودند.**

■ **از بیمارستان صحرایی تا بیمارستان امداد مشهد**  
این جانباز سرافراز با اشاره به اینکه پس از مجروح شدن به بیمارستان صحرایی منتقل شده، برایم از لحظه‌های پر از اضطراب و درد می‌گوید: در بیمارستان صحرایی در منطقه، مرحوم دکتر محمود جاوید اقدامات اولیه را برای جلوگیری از خونریزی بیشتر انجام داد؛ سپس به بیمارستان سوسنگرد منتقل شدم و عمل‌های زیادی روی من انجام شد. از طرفی چون برده دیافراگم پاره شده بود برای تنفس مشکل زیادی ایجاد کرده بود، از این رو با هواپیما به بیمارستان نجمیه تهران منتقل شدم تا روند جدی درمان آنجا ادامه یابد. حضرت آقا که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، به عیادت مجروحان جنگ آمدند و یکی از خاطرات شیرین من دیدار ایشان در بیمارستان بود.

■ **۷۸ درصد جانبازی و ادامه راه**  
این جانباز از سال‌های آتش و عشق و ایثار این‌گونه برایم روایت می‌کند: از بیمارستان تهران دوباره به بیمارستان شهید کامیاب و امدادی سابق مشهد فرستاده و بستری شدم. اعلام شد ۷۸درصد از کارافتادگی دارم. با آنکه این جراحات شدید همراه من بود و امکان حضور مدام در جبهه را نداشتیم اما پس از دوران نقاهت به اهواز و سپس به بستان رفتم. پس از عملیات طریق‌القدس دو ماهی آنجا بودم. باید برای ادامه درمان جراحات به بیمارستان می‌رفتم، از این رو دوباره به مشهد بازگشتم. تا سال ۶۷ برای شرکت در بیشتر عملیات‌هایی که بود، می‌رفتم و سپس بازمی‌گشتم.

■ **ادامه عاشقی**  
از او درباره ادامه زندگی و آینده که می‌پرسم، بلافاصله می‌گوید: سال ۶۲ با یک فرشته که خداوند در قالب یک انسان به تمام معنا خلق کرده بود، ازدواج کردم. سال ۶۷ خدا فرزندى به من عطا کرد. چون در بمباران هوایی

## دوباره عشقستان

**یزدی**! عشقستان حیطه‌ای به گستره ابراز وجود عارفان به خدایپیوسته است؛ فضایی مملو از ایثار، مقاومت، ایستادگی و سلحشوری که از روزهای انقلاب آغاز شد، در دفاع مقدس تداوم یافت و امروز در قامت مدافعان حرم، همچنان زنده و بیدار است.

«عشقستان» جرعه‌ای از دریای زلال و سراسر شور و

■ **شهرودان مشهدی**  
**۲۶ روز هوای پاک تنفس کردند**  
مسئول مرکز پایش آلاینده‌های زیست‌محیطی شهرداری مشهد گفت: شهرودان مشهدی از ابتدای سال تاکنون ۲۶ روز هوا با کیفیت پاک را تنفس کردند

که نسبت به مدت مشابه پارسال چهار برابر شده است. رضا اسماعیلی افزود: همچنین از ابتدای سال تاکنون ۱۳۰ روز کیفیت‌هوا روی شاخص قابل قبول قرار گرفت که این رقم در مدت مشابه پارسال ۱۵۶ روز بود. وی اضافه کرد: شهرودان مشهدی ۳۱ روز

**سرور هادیان**! «من غیرت داشتم. شنیدم دشمن به دخترانمان در بستان تعرض و آن‌ها را زنده به گور کرده است. پدرم که نظامی بود جلو مرا گرفت؛ گفت: تو سربازی نرفتی، آموزش ندیدی و نمی‌دانی تفنگ چیست؛ کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: ما مردان زنده باشیم و دشمن به ناموسمان دست‌درازی کند؟ می‌خواهم از روی جنازه من رد شود و اگر توانست این کار را کند. پدرم که استوار نیروی ارتش بود، دستی بر شانه‌ام کشید و گفت: خدا پشت و پناحت.

بحث من غیرت ایرانی، ملی و اسلامی بود. غیرتم نمی‌پذیرفت دشمن به کشورم حمله کند و من به فکر ادامه تحصیل و زندگی باشم. مرگ برایم از این زندگی شیرین‌تر بود؛» این‌ها بخشی از گفت‌وگو با یکی از نخستین رزمنده‌های اعزامی به جبهه از خراسان است.

■ **از افسری تا انتخاب دندانیزشکی**  
محسن جمشیدی کاخکی، متولد ۱۳۳۹ در روستای کاخک گناباد در ادامه این گفت‌وگو به خیرنگار ما می‌گوید: در دوران دبیرستان ابتدا دلم می‌خواست نظامی شوم و در دانشکده افسری تحصیلم را ادامه دهم. به همین دلیل در سال‌های ۵۴ تا ۵۷ به دبیرستان نظام رفتم و سه سالی هم درس خواندم اما سال ۵۷ با وقوع انقلاب، مدارس تعطیل شد.

سال ۵۸ که مدارس بازگشایی شدند دبیرستان نظام تعطیل شد و از این رو وارد دبیرستان ابوذر غفاری مشهد و در رشته علوم تجربی مشغول به تحصیل شدم. آن زمان تصمیم گرفتم دندانیزشک شوم که مسئله جنگ پیش آمد. سال چهارم دبیرستان بودم؛ جزو نخستین داوطلبان از خراسان به جبهه اعزام شدم و پس از جنگ در سال ۶۹ دیپلمم را از دبیرستان شبانه شهید رجایی گرفتم.

این رزمنده دلاور می‌افزاید: بعدها وارد دانشگاه عالی افسری اطلاعات سپاه در تهران شدم. سال ۶۱ به سپاه پیوستم؛ تا سال ۸۱ در سپاه خدمت کردم و در سال ۸۸ با درجه سرهنگ تمام در سپاه بازنشسته شدم. صهمچنین رشته دانشگاهی کارشناسی علوم دامی را با هدف، انتخاب کردم و درحال حاضر نیز مشغول تولید خوراک دام و طیور هستم. از او درباره حضورش در جنگ که می‌پرسم، تأکید می‌کند: حدود ۱۹ساله بودم که جنگ شد و برای دفاع از کبان و ناموس و تکلیفی که امام فرمودند تحصیل را رها کرده و عازم جبهه شدم.

۱۵مهر ۱۳۵۹ به نخستین گروهی که داوطلبانه به جنگ اعزام شد، حرکت کردیم و به سمت جبهه‌های جنوب رفتم. چون آموزش نظامی ندیده بودیم ابتدا از طرف ارتش توسط سرهنگ کوچک‌زاده که مسئولیت اعزام نیرو را در پادگان خیابان تخریسی برعهده داشت آموزش دیدیم. از طرف سپاه نیز شهید بابارستمی مسئولیت عملیات را داشت. با هماهنگی ارتش بیش از ۱۵ اتوبوس نیرو حرکت کرد و در پادگان امام حسن(ع) تهران به مدت یک هفته تحت آموزش قرار گرفتیم. او با اشاره به اینکه تا آن زمان بیشتر سلاحی به نام «ام یک» آموزش داده می‌شد، بیان



**رونمایی از ۴۵۰ اثر دفاع مقدسی**  
علیرضا آینه‌دار، مدیرکل صدا و سیمای خراسان جنوبی با بیان اینکه همچنان جای تبیین و کار دارد، افزود: از ۴۵۰برنامه رادیویی و تلویزیونی تولید صدا و سیمای استان معادل ۱۰۰ ساعت برنامه، رونمایی شد.

■ **سرور هادیان**! «من غیرت داشتم. شنیدم دشمن به دخترانمان در بستان تعرض و آن‌ها را زنده به گور کرده است. پدرم که نظامی بود جلو مرا گرفت؛ گفت: تو سربازی نرفتی، آموزش ندیدی و نمی‌دانی تفنگ چیست؛ کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: ما مردان زنده باشیم و دشمن به ناموسمان دست‌درازی کند؟ می‌خواهم از روی جنازه من رد شود و اگر توانست این کار را کند. پدرم که استوار نیروی ارتش بود، دستی بر شانه‌ام کشید و گفت: خدا پشت و پناحت.

بحث من غیرت ایرانی، ملی و اسلامی بود. غیرتم نمی‌پذیرفت دشمن به کشورم حمله کند و من به فکر ادامه تحصیل و زندگی باشم. مرگ برایم از این زندگی شیرین‌تر بود؛» این‌ها بخشی از گفت‌وگو با یکی از نخستین رزمنده‌های اعزامی به جبهه از خراسان است.

■ **از افسری تا انتخاب دندانیزشکی**  
محسن جمشیدی کاخکی، متولد ۱۳۳۹ در روستای کاخک گناباد در ادامه این گفت‌وگو به خیرنگار ما می‌گوید: در دوران دبیرستان ابتدا دلم می‌خواست نظامی شوم و در دانشکده افسری تحصیلم را ادامه دهم. به همین دلیل در سال‌های ۵۴ تا ۵۷ به دبیرستان نظام رفتم و سه سالی هم درس خواندم اما سال ۵۷ با وقوع انقلاب، مدارس تعطیل شد.

سال ۵۸ که مدارس بازگشایی شدند دبیرستان نظام تعطیل شد و از این رو وارد دبیرستان ابوذر غفاری مشهد و در رشته علوم تجربی مشغول به تحصیل شدم. آن زمان تصمیم گرفتم دندانیزشک شوم که مسئله جنگ پیش آمد. سال چهارم دبیرستان بودم؛ جزو نخستین داوطلبان از خراسان به جبهه اعزام شدم و پس از جنگ در سال ۶۹ دیپلمم را از دبیرستان شبانه شهید رجایی گرفتم.

این رزمنده دلاور می‌افزاید: بعدها وارد دانشگاه عالی افسری اطلاعات سپاه در تهران شدم. سال ۶۱ به سپاه پیوستم؛ تا سال ۸۱ در سپاه خدمت کردم و در سال ۸۸ با درجه سرهنگ تمام در سپاه بازنشسته شدم. صهمچنین رشته دانشگاهی کارشناسی علوم دامی را با هدف، انتخاب کردم و درحال حاضر نیز مشغول تولید خوراک دام و طیور هستم. از او درباره حضورش در جنگ که می‌پرسم، تأکید می‌کند: حدود ۱۹ساله بودم که جنگ شد و برای دفاع از کبان و ناموس و تکلیفی که امام فرمودند تحصیل را رها کرده و عازم جبهه شدم.

۱۵مهر ۱۳۵۹ به نخستین گروهی که داوطلبانه به جنگ اعزام شد، حرکت کردیم و به سمت جبهه‌های جنوب رفتم. چون آموزش نظامی ندیده بودیم ابتدا از طرف ارتش توسط سرهنگ کوچک‌زاده که مسئولیت اعزام نیرو را در پادگان خیابان تخریسی برعهده داشت آموزش دیدیم. از طرف سپاه نیز شهید بابارستمی مسئولیت عملیات را داشت. با هماهنگی ارتش بیش از ۱۵ اتوبوس نیرو حرکت کرد و در پادگان امام حسن(ع) تهران به مدت یک هفته تحت آموزش قرار گرفتیم. او با اشاره به اینکه تا آن زمان بیشتر سلاحی به نام «ام یک» آموزش داده می‌شد، بیان

که نسبت به مدت مشابه پارسال چهار برابر شده است. رضا اسماعیلی افزود: همچنین از ابتدای سال تاکنون ۱۳۰ روز کیفیت‌هوا روی شاخص قابل قبول قرار گرفت که این رقم در مدت مشابه پارسال ۱۵۶ روز بود. وی اضافه کرد: شهرودان مشهدی ۳۱ روز

■ **افقی**  
۱. فیزیکدان برجسته نیوزیلندی که به پدرفیزیک هسته‌ای شهرت یافت  
۲. درحال‌گریه‌کردن- تقابل ۱۳. گوشه‌گیر - قفل کمربند - از انگشتان دست و  
۴. پا. اثر چربی - سودای ناله - بنیان - استطاعت - یکی از دوجنس ۵. رنگ مظهر صلح - از خونخواهان امام حسین(ع)- اولین مسجداسلام ۶. بدی - دورنداختن چیزی - شرم ۷. سالن بزرگ - همگی - سگ‌آبی ۸. مادر تازی - درنگ‌کردن - هدررفته - هیمه ۹. فرستاده - عزیز همگان - جای بلند - بالادمن سیستم‌عامل رایانه‌ای ۱۰. روشی در پخت برنج - کتاب مقدس حضرت عیسی(ع)- صوت‌ندا- حرف‌دهن‌کچی ۱۱. رفیق دیوار - از تن‌پوش‌ها - پرتوها ۱۲. نام مستعار روزنامه‌ای دهخدا- حرف وضمیر انگلیسی - هماهنگ ۱۳. اهل مکه - ماه قمری - یکدندنگی - مالا مال



**رونمایی از ۴۵۰ اثر دفاع مقدسی**  
علیرضا آینه‌دار، مدیرکل صدا و سیمای خراسان جنوبی با بیان اینکه همچنان جای تبیین و کار دارد، افزود: از ۴۵۰برنامه رادیویی و تلویزیونی تولید صدا و سیمای استان معادل ۱۰۰ ساعت برنامه، رونمایی شد.

■ **سرور هادیان**! «من غیرت داشتم. شنیدم دشمن به دخترانمان در بستان تعرض و آن‌ها را زنده به گور کرده است. پدرم که نظامی بود جلو مرا گرفت؛ گفت: تو سربازی نرفتی، آموزش ندیدی و نمی‌دانی تفنگ چیست؛ کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: ما مردان زنده باشیم و دشمن به ناموسمان دست‌درازی کند؟ می‌خواهم از روی جنازه من رد شود و اگر توانست این کار را کند. پدرم که استوار نیروی ارتش بود، دستی بر شانه‌ام کشید و گفت: خدا پشت و پناحت.

بحث من غیرت ایرانی، ملی و اسلامی بود. غیرتم نمی‌پذیرفت دشمن به کشورم حمله کند و من به فکر ادامه تحصیل و زندگی باشم. مرگ برایم از این زندگی شیرین‌تر بود؛» این‌ها بخشی از گفت‌وگو با یکی از نخستین رزمنده‌های اعزامی به جبهه از خراسان است.



■ **سرور هادیان**! «من غیرت داشتم. شنیدم دشمن به دخترانمان در بستان تعرض و آن‌ها را زنده به گور کرده است. پدرم که نظامی بود جلو مرا گرفت؛ گفت: تو سربازی نرفتی، آموزش ندیدی و نمی‌دانی تفنگ چیست؛ کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم: ما مردان زنده باشیم و دشمن به ناموسمان دست‌درازی کند؟ می‌خواهم از روی جنازه من رد شود و اگر توانست این کار را کند. پدرم که استوار نیروی ارتش بود، دستی بر شانه‌ام کشید و گفت: خدا پشت و پناحت.

بحث من غیرت ایرانی، ملی و اسلامی بود. غیرتم نمی‌پذیرفت دشمن به کشورم حمله کند و من به فکر ادامه تحصیل و زندگی باشم. مرگ برایم از این زندگی شیرین‌تر بود؛» این‌ها بخشی از گفت‌وگو با یکی از نخستین رزمنده‌های اعزامی به جبهه از خراسان است.

■ **از افسری تا انتخاب دندانیزشکی**  
محسن جمشیدی کاخکی، متولد ۱۳۳۹ در روستای کاخک گناباد در ادامه این گفت‌وگو به خیرنگار ما می‌گوید: در دوران دبیرستان ابتدا دلم می‌خواست نظامی شوم و در دانشکده افسری تحصیلم را ادامه دهم. به همین دلیل در سال‌های ۵۴ تا ۵۷ به دبیرستان نظام رفتم و سه سالی هم درس خواندم اما سال ۵۷ با وقوع انقلاب، مدارس تعطیل شد.

سال ۵۸ که مدارس بازگشایی شدند دبیرستان نظام تعطیل شد و از این رو وارد دبیرستان ابوذر غفاری مشهد و در رشته علوم تجربی مشغول به تحصیل شدم. آن زمان تصمیم گرفتم دندانیزشک شوم که مسئله جنگ پیش آمد. سال چهارم دبیرستان بودم؛ جزو نخستین داوطلبان از خراسان به جبهه اعزام شدم و پس از جنگ در سال ۶۹ دیپلمم را از دبیرستان شبانه شهید رجایی گرفتم.

این رزمنده دلاور می‌افزاید: بعدها وارد دانشگاه عالی افسری اطلاعات سپاه در تهران شدم. سال ۶۱ به سپاه پیوستم؛ تا سال ۸۱ در سپاه خدمت کردم و در سال ۸۸ با درجه سرهنگ تمام در سپاه بازنشسته شدم. صهمچنین رشته دانشگاهی کارشناسی علوم دامی را با هدف، انتخاب کردم و درحال حاضر نیز مشغول تولید خوراک دام و طیور هستم. از او درباره حضورش در جنگ که می‌پرسم، تأکید می‌کند: حدود ۱۹ساله بودم که جنگ شد و برای دفاع از کبان و ناموس و تکلیفی که امام فرمودند تحصیل را رها کرده و عازم جبهه شدم.

که نسبت به مدت مشابه پارسال چهار برابر شده است. رضا اسماعیلی افزود: همچنین از ابتدای سال تاکنون ۱۳۰ روز کیفیت‌هوا روی شاخص قابل قبول قرار گرفت که این رقم در مدت مشابه پارسال ۱۵۶ روز بود. وی اضافه کرد: شهرودان مشهدی ۳۱ روز